

دو نگرش اساسی به «مسئله کرد»

احسان هوشمند*



در حاشیه سخنان رئیس جمهور دربارهٔ اوضاع کردستان عراق

گوناگون ایرانی مانند کرد و فارس متصور گردید. نمونه‌ای از این تجربه اساطیری مشترک در قلم ژنرال احسان نوری پاشا، جنگاور معروف کرد که علیه کمال آتاتورک در کوه‌های آرارات قیام کرده بود، چنین نمود یافته است: "جنگاوران کرد مصمم شدند که نمایی از نمونه‌های قهرمانی نیاکان خود داده، ارواح آن بزرگواران را که برای حفظ میهن و آزادی خود با شمشیر برهنه، اسب به درباری دشمن می‌تاختند شاد کنند، خواستند بار دیگر پرده‌ای از تاریخ جنگ‌های ایران و توران را به عالمیان نشان داده، ثابت کنند ملت کرد به راستی نواده‌های آن پهلوانان نامدار میدان جنگ بوده و در روح سلحشوری و در خون نجیب ایرانی آنان تغییری حاصل نشده و نقصی پدید نیامده است." (۳)

وی در توصیف جنگ با سربازان ارتش ترکیه باز تأکید می‌کند: "از حیث تعداد نفر و نوع اسلحه قوای ترک برتری داشت و از لحاظ موقعیت هم مواضع خوبی داشتند، زیرا در پشت تپه‌ها و در داخل ده موضع گرفته بودند، در حالی که آراراتی‌ها در زمین مسطح و بدون پناهگاهی قرار داشتند. ولی در مقابل تمام این برتری‌ها، مجاهدین کرد تصمیم راسخ داشتند. گویی ارواح پهلوانان باستانی ایران در کالبدشان دمیده شده و در این مسابقه جانبازی هر یک می‌خواست گوی سبقت را از دیگری بر باید." (۴)

۳- همین تفاوت‌های عمیق فرهنگی، زبانی، تاریخی، آداب و رسوم و هویت کردها با اعراب و ترک‌ها در عراق و ترکیه، موجب گردیده دول حاکم بر این کشورها غیرانسانی‌ترین و وحشیانه‌ترین برخوردها را با آنان در جهت هویت‌زدایی از کردها عملی نمایند. گذشته از بمباران شیمیایی، میکروبی و کشتار دسته‌جمعی کردها در ترکیه و عراق که انعکاس جهانی هم یافته و تخریب روستاها، کوچاندن اهالی از مناطق کردنشین به مناطق عرب‌نشین یا ترک‌نشین، حتی لفظ "کرد" هم به کاربردش، جرم محسوب می‌گردد. روزنامه ملیت - چاپ استانبول - با تأکید بر این وضعیت به مواد قانونی آن اشاره می‌کند: "برابر قوانین جاری ترکیه (مواد ۳۱۲ قانون جزا و یا مواد ۸، ۷ و ۶ قانون مبارزه با تروریسم) به کاربردن کلمه کرد - چه در گفتار و چه در نوشتار - بمعنای

۱- اهمیت استراتژیک و سوق‌الجیشی مناطق کردنشین کشور، جایی که با دو کشور رقیب و گاه متخاصم یعنی عراق و ترکیه هم‌مرز بوده و البته آن سوی مرز آن دو کشور را هم کردها در بر گرفته‌اند، بر کسی پوشیده نیست. یکی از امرای ارتش شاهنشاهی که اتفاقاً جان خویش را نیز در مناطق کردنشین کشور از دست داده، در خاطرات خود در این باره تأکید می‌کند. "استفاده کامل از دوستی‌های غیرقابل انکار خانواده‌ها و طوایف کرد، چنانچه مأمورین صحیح‌العمل در آن منطقه وجود داشته باشند، مدت مدیدی این دوستی و صمیمیت ادامه خواهد یافت، ولی خدای ناکرده اگر مأمورین ناخلف داخل امورات آن حدود باشند، مهلکه و خطر غیرقابل جبرانی برای مملکت ما تولید خواهد شد... هر مأمور وقتی که به منطقه کردستان وارد می‌شود، ناموساً و وجداناً موظف است کلاه خود را قاضی کرده، اهمیت و موقعیت کردستان را که سرتاسر حد غربی را به استحکامات طبیعی تشکیل می‌دهد، در حیات و زندگانی کرمانشاه، همدان، خمسه و زنجان خوب مطالعه و ملاحظه نماید. باید بدانند اندک غفلت و خیانتی در منطقه مزبور خیانتی است دربارهٔ ایالات فوق‌الذکر" (۱) البته اگر اوضاع و احوال فعلی منطقه و بیش از آن را با توجه به حوادث بالکان در نظر داشته باشیم، اهمیت استراتژیک مناطق کردنشین کشور دوصد چندان جلوه‌گر خواهد شد.

۲- کردها اگر نه یکی از اصیل‌ترین آریایی‌تبارها و اقوام ایرانی، لااقل بخشی از آریایی‌تبارها و ایرانیان ساکن در این سرزمین و البته کشورهای مجاور می‌باشند. این نکته چنان بدیهی است که همواره مورد تأکید سیاستمداران ایرانی (به‌عنوان نمونه سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور فعلی و ابوزیسیون کرد مخالف جمهوری اسلامی و حتی نخبگان کرد ترکیه و عراق قرار گرفته است. چنان‌که نویسنده و محقق نامدار کرد؛ استاد هزار هم با تأکید بر اسطوره‌های مشترک ایرانیان که اعم از فارس و کرد و بلوچ و گیلکی و... که در شاهنامه فردوسی متجلی شده، بر این اشتراک در اسطوره و نژاد پای می‌فشرد (۲) البته دامنهٔ این اشتراکات در زبان، اسطوره، عقاید، آداب و رسوم و سنن، تاریخ و به‌طور کلی فرهنگ کردها و سایر ایرانیان، چنان برجسته است که شاید بتوان مرزی بین اقوام

"تبلیغات جدایی خواهانه تروریستی" است. در بخشنامه‌ای که از طرف دولت ترکیه برای ادارات، بخش عمومی و رسانه‌های گروهی دولتی ارسال شده، مقرر گردید که از استفاده پاره‌ای از کلمات و اصطلاحات احتراز شود. از جمله کلمات و اصطلاحات ممنوعه می‌توان به اینها اشاره کرد. مردم کردتبار، شهروندان کرد، مردمی با ریشه کرد، و به جای این اصطلاحات باید این عبارات را به کار برد:

شهروندان ترک، شهروندان ما که محافل جدایی خواه آنان را کرد می‌نامند (۵) امری که در ترکیه مسبوق به سوابق است. روزنامه ملیت در ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۰ به نقل از محمود اسعدبیک وزیر عدلیه نوشت: "دوست و دشمن باید بدانند آقای این مملکت ترک است. کسانی که در رگ‌های بدنشان خون صاف ترک نداشته باشند، در وطن ترکیه فقط یک حق دارند، آن هم نوکری و بندگی است." (۶)

۴- تأسیس دو دولت عراق و ترکیه پس از شکست عثمانی در جنگ اول جهانی، همزمان است با تحولات سیاسی در مناطق کردنشین این دو کشور، چرا که معاهده شور که در آن برخی حقوق را برای کردها به رسمیت شناخته بود، به سرعت توسط مصطفی کمال در ترکیه و انگلیسی‌ها در عراق زیر پا گذارده شد، لذا این قول "صالح ملا عمر عیسی" به واقعیت نزدیک است که "بحران کنونی کردستان از بدو تشکیل دولت عراق شروع شده است." (۷) بحران کردها در ترکیه بعد از همان بدو تشکیل دولت ترکیه نمود یافته است. اما اوضاع ایران در ارتباط با کردها متفاوت از اوضاع عراق و ترکیه است. مردمان کرد و فارس و بلوچ و لر و گیلک و... قرن‌ها با هم و برای هم زیسته‌اند. کیست که نقش کردها در تشکیل دولت ماد، هخامنشی تا خاندان زند و قاجار را به همراه سایر ایرانیان نشنیده و یا نخوانده باشد. (اگرچه در دوره

رضاخان و بعد از آن تحت تأثیر دولت ترکیه و عراق، برخی از حقوق شهروندی کردهای ایران نادیده گرفته شد، اما هیچ‌گاه شاهد برخوردهایی از نوع برخوردهای دول عراق و ترکیه نبودیم.)

۵- قرار گرفتن مناطق کردنشین مابین ترکیه، عراق، سوریه، ارمنستان و ایران، گذشته از دولت‌های یادشده، برخی رقیبان فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای را متوجه اهمیت استراتژیک کردها نموده است. حضور نمایندگان (نظامی، سیاسی و یا جاسوس) کشورهای نظیر آمریکا، انگلیس، شوروی سابق و اسرائیل در ارتباط با اوضاع این مناطق همواره مورد تأکید قرار گرفته است. این حضور، گاه با درخواست رهبران احزاب کرد بوده است. "ملا مصطفی بارزانی" در مصاحبه‌ای با واشنگتن پست و اینترنت‌نشال هرالد تریبیون در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۳ می‌گوید: "ما

آماده‌ایم اگر ایالات متحد آمریکا در مقابل این گرگ‌ها از ما پشتیبانی کند، در این منطقه بر طبق سیاست او عمل کنیم... در صورتی که به اندازه کافی از ما حمایت شود، می‌توانیم مناطق نفتی کرکوک را در اختیار بگیریم و بهره‌برداری از آن را به کمپانی‌های آمریکایی بدهیم. این منطقه مال ماست." (۸) کمالین که کوچرا تأکید می‌کند "کردها با میخکوب کردن بخش بزرگی از ارتش عراق در کوهستان‌های شمال مانع از این می‌شوند که عراق در کشمکش اعراب و اسرائیل مداخله کند." (۹)

همان‌گونه که نضال اللبئی در الحیات می‌نویسد: "رابطه کردها با اسرائیل تاکنون همواره از محرمانه به شمار می‌رفت که به ندرت درباره آن سخن به میان آمده است." (۱۰) اما با این حال، افشای روابط اسرائیل با گروه بارزانی توسط مشاور ارشد ملامصطفی بارزانی، یعنی محمود عثمان، بعد نوبتی به موضوع بخشیده است." (۱۱)

عراقیت‌های قومی در شمال و جنوب و مرکز عراق هم از دیگر ابعاد پیچیدگی قومی در این کشور بحران زده است. شیعیان عرب، سنیان عرب و کردهای اکثریت سنی، طرفین این رقابت می‌باشند که بعد مذهبی برای شیعیان عرب و تاریخ و فرهنگ مشترک برای کردهای شمال موجبات نزدیکی آنها به مردم ایران را فراهم می‌سازد. اما از دیگر سو وجود کردها برای حفظ سلطه اهل سنت بر حکومت هم اهمیت داشت؛ چنان‌که سرهنری دابز که در ۱۹۲۳ در مقام کمیسر عالی بریتانیا در عراق می‌گوید: "واگذاری اراضی قابل ملاحظه به ترکیه بر ناراحتی طبقه حاکم عراق که همه سنی مذهب‌اند، دامن خواهد زد، زیرا این امر توازن را در مجلس به زیان سنی‌ها بر هم خواهد زد و شیعیان واپس‌گرا را به قدرت خواهد

جنگاوران کرد مصمم شدند که نمایشی از نمونه‌های قهرمانی نیاکان خود داده، ارواح آن بزرگواران را که برای حفظ میهن و آزادی خود با شمشیر برهنه، اسب به دریای دشمن می‌تاختند شاد کنند، خواستند بار دیگر پرده‌ای از تاریخ جنگ‌های ایران و توران را به عالمیان نشان داده، ثابت کنند ملت کرد به راستی نواده‌های آن پهلوانان نامدار میدان جنگ بوده و در روح سلحشوری و در خون نجیب ایرانی آنان تغییری حاصل نشده و نقصی پدید نیامده است

رساند." (۱۲)

۷- نگاه سطره‌جویانه و مداخله‌جویانه ترکیه نسبت به مناطق کردنشین شمال عراق و حتی بیش از آن تا موصل به واسطه وجود ذخایر نفتی و گاه به بهانه حمایت از اقلیت ترکمن ساکن در کرکوک و حوالی آن از دیگر ابعاد پیچیدگی‌های اوضاع و احوال منطقه خصوصاً در شرایط موجود می‌باشد. کما این‌که وزیر دفاع ترکیه اخیراً در واکنش به تأسیس پارلمان کردها در شمال عراق رسماً و علناً از الحاق این مناطق به ترکیه خبر داد.

۸- پس از جنگ ۱۹۹۱ آمریکا و متحدانش علیه دولت صدام حسین و خیزش مردمی ساکنان کرد شمال و شیعه جنوب عراق و حمله ارتش عراق به کردها و شیعیان، بخشی از شمال و جنوب عراق به عنوان مناطق امن از سوی

دولت امریکا و انگلیس مورد حمایت قرار گرفت. و متعاقب آن مناطق کردنشین شمال عراق مابین دو گروه معارض و رقیب عراقی یعنی اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی (فرزند ملامصطفی) تقسیم گردید و دولت عراق از اعمال قدرت در این مناطق بازماند.

ادامه سیاست‌های دولت عراق، خصوصاً پس از حوادث یازده سپتامبر نیویورک و اعلان جنگ دولت بوش به سازمان‌های القاعده و طالبان و نهایتاً قریب‌الوقوع بودن جنگ مابین دولت امریکا و ارتش صدام، آینده جغرافیایی عراق را در هاله‌ای از ابهام فرو برده، خصوصاً افتتاح پارلمان کردهای شمال عراق و اعلام پرچم و خواسته‌های کردها موجب بروز نگرانی دولتمردان ترکیه و حتی تهدید به جنگ علیه کردها گردید.

سفر سید محمد خاتمی؛ رئیس جمهوری ایران به ترکیه به جهت برگزاری کنفرانس سران آکو، زمینه‌ای شد تا آقای خاتمی از تمامیت ارضی عراق حمایت نموده و البته تأکید کند کردهای عراق جزئی از ملت عراق، کردهای ترکیه جزئی از ملت ترکیه و کردهای ایران جزئی از ملت ایران می‌باشند.

بیان این مواضع، آن هم در این شرایط حساس، موجبات طرح سؤالات و ابهاماتی شد. آیا اصولاً در این شرایط بیان این مواضع با ضرورت‌هایی همراه بود؟ عواقب چنین مواضعی حافظ کدام منافع ماست؟ چرا در کشور ترکیه آقای خاتمی به بیان مواضع می‌پردازد؟ آیا نمی‌توان گزینه‌های دیگری غیر از مواضع آقای خاتمی در این بحران اتخاذ نمود؟

۱- به زعم برخی از دولتمردان، اتخاذ چنین سیاستی ادامه سیاست منطقی جمهوری اسلامی

است که در آن بر حفظ تمامیت ارضی عراق و ترکیه و سایر کشورهای منطقه تأکید می‌شود و هرگونه تغییر در وضعیت جغرافیایی منطقه به خصوص در مورد کردهای عراق، در راستای منافع ملی ایران ارزیابی نمی‌گردد. از این منظر هیچ ضرورتی مهم‌تر از حفظ یکپارچگی عراق در راستای منافع ملی ما نمی‌باشد؛ چرا که تغییر جغرافیایی در منطقه یا حداقل استقرار نظام فدرالی در کشور عراق می‌تواند موجب اشاعه ناامنی در کشور ما خصوصاً مناطق کردنشین کشور و طرح خواسته‌های مشابه شود؛ لذا دفاع از تمامیت ارضی عراق، دفاع از تمامیت ارضی همسایگان عراق و نهایتاً کشورمان ایران خواهد بود.

این نگاه مسبوق به سابقه‌ای تاریخی و لاقابل هشتادساله است. از آن هنگام که محمدعلی فروغی به عنوان سفیر تام‌الاختیار رضاشاه با حضور در ترکیه و در

جهت رفع مسائل فیما بین ایران و ترکیه در ماجرای آزارات واسط گردیده بود. اما در خصوص کردستان مستقل به عقیده بنده این خطر را برای ما باید مسلم داشت و به حرف انگلیس‌ها که "به شیخ محمود گفتیم کردستان مستقل قبول نمی‌کنیم." نباید مطمئن بود. بنده اینجا هم با انگلیس‌ها صحبت کرده‌ام و چیز فهمیده‌ام، اولاً با اهمیتی که ناحیه نفت خیز کردستان پیدا کرده، من باور نمی‌کنم

انگلیس‌های مال اندیش آرام بنشینند و بگذارند دولت ترکیه خود را جمع‌آوری کند و چند سال دیگر سر وقت موصل برود و برای جلوگیری از این خطر، یقیناً کردها را به عنوان استقلال با خود همدست خواهند کرد. فرضاً که انگلیس‌ها هم در این باب اهمیتی نکنند، چون این حرف به دهن‌ها افتاده و کردها هم مردمان بالاستعدادی هستند، خودشان بالطبع دنبال آن می‌روند. خاصه این که به غیرتشان نخواهد گنجید که زیر دست عرب باشند. پس ما باید در هر حال به فکر کردستان خودمان باشیم و اگر حقیقتاً ممکن شد، ترک‌ها را با خودمان همدست کنیم." (۱۳)

البته نتیجه این سیاست آن شد که شورشیان کرد آزارات از پشت سر (توسط نیروهای ترک) و از خاک ایران مورد حمله قرار گرفتند "روز دوم آزاراتی‌ها با فداکاری فوق‌العاده به سنگ‌های یادگاری اجدادی خود چسبیده، داخل یک نبرد خونین شده بودند. در این موقع از پشت سر از سرحد ایران برخلاف انتظار، اول صدای توپ ... بعد شلیک پیاده و مسلسل‌ها بلند شد. برای آزاراتی‌ها خیلی ناگوار بود که با قشون ایران به هر نحوی که باشد داخل نبرد شوند. فرمانده کرد این واقعه را ناشی از یک سوء تفاهم پنداشته ... ولی وقتی به سرحد رسید، چیز باور نکردنی دید؛ هنگ‌های ترک از خاک ایران هم از پشت به آزارات حمله خود را آغاز نموده بودند. معلوم شد دولت وقت ایران با تقاضاهای دولت جمهوری

ترکیه موافقت نموده قسمتی از خاک خود را که در پشت آزاراتی‌ها واقع بود برای از بین بردن این کانون ملی کرد - کانون نژادی ایران - در تحت اختیار فرماندهی عالی ترک قرار داده است. نگارنده (احسان نوری پاشا) در اینجا حق یا ناحق بودن گلابه‌های آزاراتی‌ها که خودشان را از قدیمی‌ترین نژاد ایرانی دانسته و در ظرف زدوخوردهای چندساله با دولت ترکیه، در مقابل دولت شاهنشاهی و ایران غیر از صداقت و احترام، به حربه دیگری متوسل نشده بودند به قضاوت منوران و وطن پرستان ایران واگذار می‌نمایم." (۱۴)

اتخاذ این رویکرد، ناشی از درک و برداشت سیاستمداران ایرانی آن روزگار و به خصوص محمدعلی فروغی بود که تأکید داشت "بدتر از همه این که تخم لق کردستان مستقل را هم انگلیس‌ها در دهن اکراد شکسته و خاطر دولت ترکیه را

این قول "صالح ملا عمر عیسی" به واقعیت نزدیک است که "بحران کنونی کردستان از بدو تشکیل دولت عراق شروع شده است.

"بحران کردها در ترکیه بعد از همان بدو تشکیل دولت ترکیه نمود یافته است.

اما اوضاع ایران در ارتباط

با کردها متفاوت از اوضاع عراق و ترکیه است.

مردمان کرد و فارس و بلوچ و لر و گیلک و ... قرن‌ها با هم و برای هم زیسته‌اند

از این جهت متزلزل ساخته‌اند و البته ما هم باید مثل آنها متزلزل باشیم و الا این که متأسفانه ترک‌ها در این قضیه عوض این که ما را با خودشان هم‌درد بدانند، مدعی فرض می‌کنند.^{۱۵}

همان گونه که مشاهده شد، در این دیدگاه اول آن که مسائل مربوط به کردها در عراق و ترکیه دارای منشأ خارجی است، دوم آن که بین ایران و ترکیه و عراق و در تبع آن کردهای عراق و ترکیه و ایران در این رویکرد تفاوتی وجود ندارد و بدون توجه به ریشه‌های مشترک نژادی و فرهنگی کردهای ایران با سایر مردم این کشور و تفاوت وضعیت آنان با کردهای عراق و ترکیه وضعیت این کشورها یکسان فرض گردیده است. سوم آن که این خطر آن چنان جدی و مهلک است که می‌توان حتی برای مهار آن از بخش‌هایی از اراضی کشور مانند آزارات کوچک (که در دوره رضاخان به ترکیه واگذار شد) و یا سایر منافع کشور گذشت؛ چهارم آن که اگر در این کشورها (عراق و ترکیه) حقوق اصیل‌ترین قوم ایرانی یعنی کردها! مورد تعرض قرار گیرد، از بمب شیمیایی استفاده شود (حلبچه یا جنوب ترکیه)، هزاران نفر مفقودالایر شوند (شمال عراق ۱۸۰ هزار نفر) و یا روستاها با خاک یکسان شوند، چون در داخل ترکیه و عراق اتفاق افتاده و در چارچوب مسائل داخلی آن کشورها می‌گنجد ربطی به ما ندارد! و ما نباید در مسائل داخلی دیگر کشورها ولو علیه کردها یعنی اصیل‌ترین ایرانیان جنایت اعمال شود، دخالتی داشته باشیم! اما درخصوص مسائل بوسنی و فیلیپین و دیگران باید هزینه‌های گزاف را پذیرفت!

پنجم آن که اگر حتی با دول ترکیه و عراق، روابط غیردوستانه و حتی خصمانه باشد، "مسئله کرد" از چنان اهمیتی برخوردار است که باز می‌تواند مورد توافق کشورهای سه‌گانه قرار گیرد.

۲- از منظری دیگر، برخی از نویسندگان، تشکیل یک دولت کرد را مابین ایران و دیگر کشورهای رقیب منطقه، نه تنها به ضرر منافع ملی ارزیابی نمی‌کنند، بلکه از آن استقبال می‌کنند. دکتر محمود افشار از نویسندگان صاحب‌نام دوره رضاشاه، در مقاله‌ای که در تیرماه ۱۳۰۴ منتشر گردیده، تأکید نمود اگر دولت ایران توجه بیشتری به توسعه فرهنگی و اقتصادی مناطق کردنشین کشور بنماید "آن وقت برای ما هیچ مضر نخواهد بود اگر روزی کردستان عثمانی مستقل شود و بین ما و دولت ترک یک دولت کوچک ایرانی نژاد در آن حدود فاصله باشد. به همین لحاظ، تأسیس دولت ارمنستانی در شمال غربی مملکت ما که کنگره صلح (پاریس) در نظر داشت ما را به کلی از عثمانی جدا می‌کرد و تا یک اندازه از خطر زرد فارغ می‌ساخت."^{۱۶}

این نگاه در آن زمان، حتی مورد استقبال برخی از کارگزاران حکومتی نیز قرار گرفته است. میرزا نصراله خان اعتلاء الملک (خلعتبری) در گزارش مفصلی که در تیرماه ۱۳۰۵ از سنج به تهران ارسال داشت، با تأکید خاص بر فرهنگ و نژاد ایرانی کردها پیشنهادهای متعددی برای اصلاح امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کردها ارائه نموده و تأکید می‌کند اگر دولت به عملی کردن چنین اصلاحاتی موفق شود "... علاوه بر آن که سد سیدی در مقابل این ولایت کشیده خواهد شد، توجهات اکراد بین‌النهرین را هم به سمت خود معطوف خواهد داشت."^{۱۷}

در این منظر، نخست وجود یک کشور مستقل کرد در همسایگی ما ضامن منافع ملی ما تلقی می‌گردد؛ زیرا اشتراکات فراوان کردها و سایر ایرانیان، آنان را

به ایران نزدیک نموده و ضمناً بین ما و رقیبمان حائل ایجاد می‌نماید. دوم آن که در ارتباط با کردهای ایرانی و مسائل مرتبط با آنها بیشتر از آن که عامل خارجی عمده گردد، به علل داخلی آن توجه می‌گردد و رفع این موانع ضروری تلقی می‌گردد. سوم آن که بین وضعیت کردها در عراق و ترکیه با کردهای ایران تفاوتی بنیادین وجود دارد. چهارم آن که حقوق بخشی از بیکره ایران زمین که به دلایلی به کشورهای همسایه الحاق گردیده، در هیچ شرایطی مورد غفلت قرار نخواهد گرفت. پنجم آن که با استقرار کردهای معارض در قدرت در همسایگی کشور امکان فعالیت گروه‌های مخالف حاکمیت ایران نیز کاهش می‌یابد؛ چنان که

"ملا مصطفی بارزانی" در مصاحبه‌ای با

واشنگتن پست و اینترنشنال هرالد

تریبیون در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۳ می‌گوید: "ما

آماده‌ایم اگر ایالات متحد آمریکا در مقابل این

گرگ‌ها از ما پشتیبانی کند، در این منطقه بر

طبق سیاست او عمل کنیم... در صورتی که

به اندازه کافی از ما حمایت شود، می‌توانیم

مناطق نفتی کرکوک را در اختیار بگیریم و

بهره‌برداری از آن را به کمپانی‌های آمریکایی

بدهیم."

داده‌های تاریخی نیز این وضعیت را تأیید می‌نماید. به عنوان نمونه در مرامنامه جمعیت شمالی کردستان که شورشیان آزارات شاخه نظامی آن محسوب می‌شد، می‌خوانیم "ما ملت کرد... به نام منافع شرق به طرف ملت ایران که با ما هم‌نژاد و هم‌دین و برادر ماست دست صمیمیت دراز کرده و امیدواری کامل داریم که او هم دست ما را با احترام استقبال کند... اگر ملت نجیب و دولت علیّه ایران نسبت به ملت کرد اظهار صمیمیت و مساعدت کند عنصر کرد که تشکیلات اجتماعی خود را اداره کرده است، می‌تواند نسبت به ایران که به او از ترک‌ها نزدیک‌تر و هم‌نژاد هستند، یک دوست صمیمی و فداکار باشد؛ اعم از این که در خارج یا در داخل باشد."^{۱۸} نزدیکی ملا مصطفی بارزانی با شاه ایران و دستگیری و اعدام ناراضیان کرد، همچون سلیمان معینی و دوستان او، از دیگر شواهد این مدعاست. چنان که در سال‌های اخیر میزان درگیری‌های نظامی در مناطق کردنشین کشورمان به حداقل رسیده که بخشی از آن ناشی از توان نظامی کشور و بخشی ناشی از همکاری احزاب قدرتمند کرد شمال عراق با دولت ایران می‌شود. "صالح ملا عمر عیسی" نویسنده کرد عراقی در این مورد می‌نویسد: "حال که چند سال از کنترل مناطق کردستان عراق توسط احزاب کرد می‌گذرد، می‌توان گفت که ناآرامی‌ها در مرزهای ایران (از طریق کردستان عراق) بسیار ناچیز بوده‌اند، در صورتی که اگر این مناطق مرزی در کنترل رژیم بعث بود به

احتمال زیاد ناآرامی‌ها در مرز ایران بسیار بیشتر از حال بود. به طوری که می‌توان گفت سیاست کردها در اطمینان دادن به کشورهای منطقه در مورد حفظ مرزهای آنها تا حدود زیادی موفقیت‌آمیز بوده است و از نگرانی‌هایی که آنها در گذشته در مورد کردستان عراق داشته‌اند، کاسته است.* (۲۰)

به نظر می‌رسد هر دو دیدگاه دارای نارسایی‌ها و کاستی‌هایی باشند و آنچه گذشت، تنها بیان فرضیات و گزاره‌های دو نگره اساسی به اوضاع شمال عراق و کردهای منطقه بود. لذا اتخاذ رویکردی متناسب با منافع ملی و حقوق مردم ایران و کردها دارای اختصاصاتی است که آن راهبرداران واقع‌بینانه، کم‌هزینه و پرمفعت

هیچ ضرورتی مهم‌تر از حفظ یکپارچگی عراق در راستای منافع ملی ما نمی‌باشد؛ چرا که تغییر جغرافیایی در منطقه یا حداقل استقرار نظام فدرالی در کشور عراق می‌تواند موجب اشاعه ناامنی در کشور ما خصوصاً مناطق کردنشین کشور و طرح خواسته‌های مشابه شود؛ لذا دفاع از تمامیت ارضی عراق، دفاع از تمامیت ارضی همسایگان عراق و نهایتاً کشورمان ایران خواهد بود

خواهد نمود.

۱- توجه به حل مسائل پیش روی کردهای ایران از جمله توسعه همه‌جانبه، اجرای اصول معطل قانون اساسی و پرهیز از تأکید بر مباحث تفرقه‌برانگیز -

خصوصاً در مناطق سنی‌نشین - با تأکید بر "استراتژی ایران برای ایرانیان".

۲- استفاده از نظرات کارشناسان، مشاوران و محققان باتجربه جهت ارائه نظرات رسمی حکومت و دولت.

۳- پیگیری رویدادهای آن سوی مرز، نقش کشورهای فرامنطقه‌ای و درخواست‌های دولت‌های عراق و ترکیه و احزاب آن کشورها.

۴- استفاده از تجارب کشورهای توسعه‌یافته در برخورد با مقوله قومیت‌ها.

۵- نگاهی جامع و چندجانبه به احزاب و تشکل‌های کرد در منطقه با تأکید بر شناخت مرام، ایدئولوژی و اهداف و استراتژی و رویکردهای عملی آنان در رابطه

با کردها، دولت‌های منطقه، تمامیت ارضی ایران و تنظیم مناسبات بر این پایه.

۶- احتراز از برخورد‌های احساسی و شعاری با قضیه "کردهای خاورمیانه" و تأکید بر راهبردهای واقع‌بینانه در این مورد.

۱- خاطرات تیمسار سرلشکر شهید محمود امین، قسمت چهار خاطرات، مهنامه ارتش شاهنشاهی، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۳: ص ۹۱.

۲- مقدمه استاد هژار بر آداب و رسوم کردان اثر محمود افندی بایزیدی، ترجمه عزیز محمدپور دانشبندی، ناشر مترجم، چاپ ۱۳۶۹، ص ۱۶ (کردی) و ص ۱۸ (فارسی).

۳- وقایع آزارات، خاطرات احسان نوری پاشا، فرمانده کردهای شورشی ترکیه (۹-۱۳۰۷ شمسی) به کوشش کاوه بیات، انتشارات شیرازه، ۱۳۷۸: ص ۶۱.

۴- پیشین: ص ۶۲-۶۱.

۵- اقلیت‌ها، محمدرضا خوبروی پاک، شیرازه، ۱۳۸۰: ص ۱۰-۹.

۶- منبع شماره ۳، ص ۱۲۱.

۷- بحران آفرینی قدرت‌های بزرگ در کردستان عراق، صالح ملاعمر عیسی، انتشارات توکلی، ۱۳۸۰: ص ۹.

۸- کوچرا، جنبش ملی کرد، یونسی، ص ۳۵۸.

۹- پیشین: ص ۳۵۴.

۱۰- اللیثی، نضال، کردهایی که به اسرائیل مهاجرت کردند و اسرائیلی‌هایی که در کردستان هستند. الحیات (۲/۲۳/۱۹۹۶).

۱۱- محمود عثمان، ماجرای کامل روابط میان کردها و اسرائیلی‌ها را بر "الوسط" فاش می‌سازد، علی، فائق‌الشیخ، ۱۳/۱۰/۱۹۹۷ - الوسط منتشره در انگلستان.

۱۲- السن، رابرت، مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه، ابراهیم یونسی، ۱۳۸۰، پاییز، ص ۲۶-۲۷.

۱۳- گزارش محرمانه از نامه‌های محمدعلی فروغی، به تاریخ ۲ آذر ۱۳۰۶ مصادف با ۲۴ نوامبر ۱۹۲۷، منتشره در مجله یغما، خرداد ماه، ۱۳۳۰ شماره سوم، سال چهارم، ص ۱۳۴.

۱۴- منبع شماره ۳، ص ۱۱۳.

۱۵- منبع شماره ۱۲، ص ۱۲۹.

۱۶- مجله آینده، دوره اول، شماره اول، تیر، ۱۳۰۴، ص ۶۲، دکتر محمود افشار.

۱۷- نقل از کتاب باارزش کاوه بیات، شورش کردهای ترکیه و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۴، ص ۷۰-۶۹.

۱۸- پیشین: ص ۱۹۹.

۱۹- منبع شماره ۷: ص ۱۹۷.



منابع:
* محقق کرد